

کد کنترل

101

D



101D

دفترچه شماره (۱)

صبح جمعه

۹۸/۱۲/۹



جمهوری اسلامی ایران
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
سازمان سنجش آموزش کشور

«اگر دانشگاه اصلاح شود مملکت اصلاح می‌شود.»
امام خمینی (ره)

آزمون ورودی دوره دکتری (نیمه‌متمرکز) – سال ۱۳۹۹

رشته زبان و ادبیات فارسی – کد (۲۱۰۱)

مدت پاسخ‌گویی: ۱۲۰ دقیقه

تعداد سؤال: ۱۰۰

عنوان مواد امتحانی، تعداد و شماره سؤالات

ردیف	مواد امتحانی	تعداد سؤال	از شماره	تا شماره
۱	مجموعه دروس تخصصی: کلیات ادبی (تاریخ ادبیات، دستور، عروض و قافیه، نقد و نظریه‌های ادبی معاصر) – متون نظم و نثر – زبان عربی – متون نظم – متون نثر – بلاغت	۱۰۰	۱	۱۰۰

این آزمون نمره منفی دارد.

استفاده از ماشین حساب مجاز نیست.

حق چاپ، تکثیر و انتشار سؤالات به هر روش (الکترونیکی و...) پس از برگزاری آزمون، برای تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی تنها با مجوز این سازمان مجاز می‌باشد و یا متخلفین برابر مقررات رفتار می‌شود.

۱۳۹۹

* داوطلب گرامی، عدم درج مشخصات و امضا در مندرجات جدول ذیل، به منزله عدم حضور شما در جلسه آزمون است.

اینجانب با شماره داوطلبی با آگاهی کامل، یکسان بودن شماره صندلی خود را با شماره داوطلبی مندرج در بالای کارت ورود به جلسه، بالای پاسخ نامه و دفترچه سؤالات، نوع و کد کنترل درج شده بر روی دفترچه سؤالات و پائین پاسخ نامه ام را تأیید می نمایم.

امضا:

■ ■ عَيْنِ الْأَصْحَ وَالْأَبْقَ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجَمَةِ أَوْ التَّعْرِيبِ أَوْ الْمَفْهُومِ (۱-۹)

۱- ﴿... يَسِّرْ لِي أَمْرِي، وَ احْلُلْ عَقْدَةً مِنْ لِسَانِي، يَفْقَهُوا قَوْلِي﴾:

(۱) کار مرا آسان بنما، و گره را از زبانت باز کن، تا حرف مرا بفهمند!

(۲) امر مرا میسر کن، و گره زبان مرا بگشای، تا سختم فهمیده شود!

(۳) کارم را بر من آسان کن، و گرهی را از زبانت بگشای، تا سختم را دریابند!

(۴) امرم را میسر قرار بده، و گرهی را که در زبان دارم بگشای، تا حرفم درک شود!

۲- «وَيْحَكَ! إِنَّ لِكُلِّ أَجَلٍ وَقْتًا لَا يَعْدُوهُ، وَ سَبَبًا لَا يَتَجَاوَزُهُ، فَلَا تَعُدْ لِمِثْلِ هَذِهِ الْكَلِمَاتِ، فَإِنَّمَا نَفَثَ الشَّيْطَانُ عَلَى لِسَانِكَ!». عَيْنِ الصَّحِيحِ: وای بر تو!

(۱) هر اجلی را زمانی است که از آن پیش نمی افتد، و سببی است که از آن در نمی گذرد، پس به چنین سخنانی باز نگرد، که آن فقط شیطان بود که بر زبانت دمید!

(۲) هر سر رسیدی را اجلی است معین که از آن نمی گذرد، و سببی دارد که از آن تجاوز نمی کند، پس چنین کلماتی دیگر باز نگردد، چه آن دمیدن شیطان می باشد بر زبان تو!

(۳) هر مهلتی را زمانی است معین که از آن نمی گذرد، و علتی است که از آن عبور نمی کند، پس دیگر این چنین سخن مگو، که این شیطان بود که چنین حرفی را بر زبانت جاری ساخت!

(۴) هر زمانی را مهلتی است که از آن تجاوز نمی کند، و علتی است که از آن در نمی گذرد، پس بار دیگر به مثل این کلمات باز نگرد، زیرا تنها شیطان است که بر زبانت دمیده است!

۳- «أَنَا لَا أُحِبُّ أَنْ أَخْدَعَ نَفْسِي، كَمَا لَا أُحِبُّ أَنْ أَخْدَعَ النَّاسَ عَنْهَا!». عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي الْمَفْهُومِ:

(۱) من دوست ندارم درباره نفس خویش خودم را فریب دهم، همچنانکه دوست ندارم مردم را گمراه کنم!

(۲) من دوست ندارم خودم به خودم دروغ بگویم، چنانکه دوست ندارم دیگران را درباره خود گمراه کنم!

(۳) من تمایلی ندارم از خودم به خودم نیرنگ بزنم، همانطور که دوست ندارم دیگران را فریب دهم!

(۴) من میل ندارم به خودم دروغ بگویم، چنانکه دوست ندارم دیگران درباره آن دروغ بگویند!

۴- «و من لا یغضض عینه عن صدیقه و عن بعض ما فیه، یمت و هو عاتب!»:

- ۱) هر آنکس که از دوست خود و از برخی عیوبی که در اوست چشم‌پوشی نکند، در حال سرزنش کردن می‌میرد!
- ۲) هر کس چشمان خود را بر عیب‌هایی که در بعضی دوستان وی است نبندد، در حال عتاب از دنیا می‌رود!
- ۳) چشم خویش را از عیب‌هایی که در دوست خود می‌بیند اغماض نکند، در حالی از دنیا می‌رود که عتاب‌کننده است!
- ۴) آنکه بخاطر دوست خویش از بعضی عیوبی که در اوست اغماض نکند، در حالی می‌میرد که سرزنش‌کننده است!

۵- «و لو رأتی فی نار مسعرة ثم استطاعت، لذات فوقها خطبا!»:

- ۱) اگر چه مرا در حال سوختن در آتش ببیند، توانایی دارد هیزم آن را اضافه کند!
- ۲) هرگاه مرا افروخته در آتشی ببیند، سپس اگر بتواند هیزم بر آن می‌گذارد!
- ۳) چنانچه مرا در آتش سوزان ببیند، می‌تواند هیزم آن را افزون سازد!
- ۴) اگر مرا در آتشی افروخته ببیند و بتواند، هیزم بر آن می‌افزاید!

۶- «و وضع الندی فی موضع السیف بالعلی مضر، کوضع السیف فی موضع الندی!». عین غیرالمناسب لمفهوم البيت:

- | | |
|---------------------------------------|-----------------------------------|
| ۱) گرچه احسان نکوست از کم و بیش | ظلم باشد به غیر موضع خویش! |
| ۲) نیکویی ار در محل خود نبود | ظلم خوانندش ار چه بد نبود! |
| ۳) نیکویی کنی بجای تو نیکویی کنند باز | ور بد کنی بجای تو از بد بتر کنند! |
| ۴) نکوئی با بدان کردن چنان است | که بد کردن بجای نیک مردان! |

۷- «من یزرع الشوک لا یحصد به العنبا!». عین الأكثر مناسبة (معنی و لفظاً):

- ۱) از نی بوریا شکر نخوری!
- ۲) بدی را بد بود آخر مکافات!
- ۳) ز زمین شوره سنبل برنیاید!
- ۴) خرما نتوان خورد از این خار که کشتیم!

۸- «چگونه می‌توان با چیزی که در وجودش نیازمند تو است، بر تو استدلال کرد!»:

- ۱) کیف الاستدلال بوجودك بما مفتقر إلى وجودك!
- ۲) كيف يستدل عليك بما هو في وجوده مفتقر إليك!
- ۳) كيف يمكن الاستدلال عنك بواسطة التي محتاج إليك!
- ۴) كيف نستطيع أن نستدل بوجودك بمن هو محتاج إلى وجودك!

- ٩- «زبان عربی در تکوین و توسعه زبان ادبی فارسی تأثیر بسیار داشت، و این تأثیر البته نوعی تأثیر اسلامی بود!»:
- (١) اللغة العربية كان لها تأثيرها العميق في تأسيس الأدب الفارسي و لغته، و طبعاً كان لذلك التأثير الإسلامي بنوع ما!
- (٢) قد أثرت اللغة العربية و آدابها شديداً في تكوين الأدب الفارسي و اللغة الفارسية، و يعتبر هذا التأثير نوعاً من تأثير الإسلام!
- (٣) أثرت اللغة العربية تأثيراً عميقاً في تأسيس اللغة الأدبية للفارسية وتوسعتها، و كان ذلك تأثير إسلامي!
- (٤) إن اللغة العربية أثرت بشدة في تكوين اللغة الأدبية الفارسية و تطويرها، و بالطبع فإن هذا التأثير كان نوعاً من التأثير الإسلامي!

■ ■ عین المناسب للجواب عن التشكيل (١٠ و ١١)

١٠- « كم الساعة الآن و كم دقيقة انتظرتني؟ الساعة الآن الثانية إلا خمس دقائق! ». عین الخطأ:

- (١) الساعة . الآن . انتظرت . خمس . دقائق
- (٢) كم . دقيقة . انتظرت . الساعة . خمس
- (٣) كم . الساعة . دقيقة . انتظرت . الثانية
- (٤) دقيقة . الآن . انتظرت . الثانية . خمس

١١- عین الخطأ:

- (١) إن شواهد التاريخ و تطورات الحاضر و إيماءات المستقبل؛
- (٢) تثبت استحالة البقاء على حالة الجمود السياسي في المنطقة؛
- (٣) كما هو عليه، دون إحداث أي تغيير يُعطي المزيد؛
- (٤) من المشاركة السياسية لأبناء المنطقة في بلدانهم!

■ ■ عین الصحيح في الإعراب و التحليل الصرفي (١٢-١٥)

١٢- ﴿ فكيف تتقون، إن كفرتم، يوماً يجعل الولدان شيباً ﴾:

- (١) يوماً: مفعول به لفعل « تتقون » و منعوت لجملة « يجعل ... » و الرابط محذوف، تقديره « يجعل فيه ... »
- (٢) الولدان: اسم مثنى مذكر، و فاعل لفعل « يجعل » و مرفوع بالألف، و « شيباً » مفعول به و منصوب
- (٣) شيباً: جمع « أشيب » و صفة مشبهة و لا مؤنث له على وزن فعلاء، و نعت و منصوب بالانصب
- (٤) تتقون: فعل مضارع من باب تفعّل، لفيف مفروق و له إبدال الواو إلى التاء ثم إدغام التاءين

۱۳- « إِيَّاكَ أَنْ تُهْمَلَ حَقَّ أَخِيكَ، فَلَيْسَ لَكَ بِأَخٍ مِنْ أَضَعْتَ حَقَّهُ! »:

(۱) من: اسم غير منصوب - موصول عامّ أو مشترك (لذوي العقول عادة) - معرفة - مبني على السكون / خبر « ليس » المفرد و منصوب محلاً

(۲) إِيَّاكَ: ضمير منفصل منصوب - للمخاطب - معرفة - مبني على الفتح / محذّر منه و منصوب محلاً على أنّه مفعول به لفعل محذوف، و الجملة اسمية

(۳) تهمل: مضارع - مزيد ثلاثي بزيادة حرف واحد من باب إفعال - صحيح و سالم - متعدّد - مبني للمجهول / فعل منصوب بحرف « أن » و الجملة فعلية و مصدر مؤوّل و محذّر منه

(۴) أضعت: ماضٍ - للمخاطب - مزيد ثلاثي بزيادة حرف واحد من باب إفعال - معتل و أجوف (إعلاله بالإسكان و القلب و الحذف) / فعل و فاعله ضمير التاء البارز، و الجملة فعلية و صلة

۱۴- « إِنَّ عَمَلَكَ هَذَا لَشَتَّى أَنَّهُ عَنْ وَاعِزٍ دَنِيٍّ وَ لَا أُخْرَوِي! »:

(۱) هذا: إشارة للقريب - معرفة - مبني على السكون / نعت مفرد حقيقي، و منصوب محلاً بالتبعية للمنعوت « عمل » و هو مؤوّل بالمشقّق تأويله « المشار إليه »

(۲) شَتَّى: اسم - مفرد مذکر - مشتق و صفة مشبهة / اسم « لا » النافية للجنس و مفرد و مبني على علامة النصب و هنا الفتح ببناء عرضي و منصوب محلاً

(۳) دَنِيٍّ: اسم - مفرد مذکر - جامد و غير مصدر و منسوب - معرب - منقوص - منصوب / نعت مفرد و هو مؤوّل بالمتشّق تأويله « منسوب إلى الدنيا »

(۴) واعز: مشتق و اسم فاعل (مصدره: وعز) نكرة مخصّصة - معرب - صحيح الآخر - منصوب / مجرور بحرف الجر؛ عن واعز: جار و مجرور و متعلّقهما شبه الفعل « عمل »

۱۵- « لَوْ أَنَّهُمْ كَانُوا يُلَاقُونَ مِثْلَ مَا نُلَاقِي، لَكَانُوا فِي الْمَضَاجِعِ مِثْلَنَا! »:

(۱) يُلَاقُونَ، نُلَاقِي: مضارع من باب مفاعلة، معتل و لقيف مفروق، إعلاله بالحذف

(۲) كانوا: اسمه ضمير الواو؛ خبره (الاولي): يلاقون؛ (الثانية): في المضاجع

(۳) مثل: الاولی: مفعول به و منصوب؛ الثانية: خبر «كان» المفرد و منصوب

(۴) المضاجع: منتهی الجموع و ممنوع من الصرف، و منعوت للنعت «مثلنا»

■ ■ عین المناسب للجواب عن الأسئلة التالية (۱۶-۲۰)

۱۶- عین الخطأ في معاني باب تفاعل:

(۱) للمشاركة بين فاعلين

(۲) بمعنى المجرد

(۳) للتظاهر بما ليس في الواقع

(۴) للمبالغة

۱۷- ﴿لَوْلَا أَنْ مَنَ اللَّهُ عَلَيْنَا﴾. عین الصحيح في نوع « أن »:

(۱) موصول حرفي (۲) زائدة للتأكيد (۳) مخففة من الثقيلة (۴) مفسرة لما قبلها

۱۸- عَيْنُ الْخَطَا فِي إِثْشاءِ التَّعَجُّبِ مِنْ « لَذَّةِ الْإِيمَانِ بِاللَّهِ »:

- (۱) أَلَذُّ بِالْإِيمَانِ بِاللَّهِ!
(۲) مَا أَلَذُّ الْإِيمَانِ بِاللَّهِ!
(۳) مَا أَكْثَرُ أَنْ يَلِذَّ الْإِيمَانُ بِاللَّهِ!
(۴) أَلَذُّ بِالْإِيمَانِ بِاللَّهِ!

۱۹- عَيْنُ الْخَطَا لِلْفَرَاغِ: « سِفُوزُ طَلِبَةِ الصَّفِّ بِجَوَائِزٍ وَ لَا سَيِّمًا ... مِنْهُمْ »

- (۱) المَجْدُ (۲) المَجْدُ (۳) المَجْدُونَ (۴) المَجْدِينَ

۲۰- عَيْنُ مَا لَيْسَ بِاسْتِغَاثَةٍ:

- (۱) يَا لِلْعُلَمَاءِ وَ يَا لِلْأُدْبَاءِ؛ مِنْ ضَالَّةِ الدِّرَاسَاتِ فِي الْجَامِعَاتِ!
(۲) يَا لِدَوِيِّ الدِّرَاسَةِ وَ يَا لِلْخِبْرَاءِ؛ لِلدِّرَاسَاتِ الْجَامِعِيَّةِ!
(۳) يَا قُرَّاءَ؛ لَكُمْ مَا عَمَلْتُمْ!
(۴) يَا عُلَمَاءَ؛ لِلْعِلْمِ وَ الْأَدَبِ!

۲۱- بَيْتِ زَبِيرٍ بِهِ دَاسْتَانِ كَدَامِ يَكُ مِنْ شَخْصِيَّتِهَا إِشَارَةٌ دَارِدُ؟

- « هَرُ كَسِي بِرِ تَخْتِ مَلَكْتِ كِي تَوَانِدِ يَافْتَنِ
(۱) سَلِيمَانِ نَبِي (ع) (۲) اِبْرَاهِيمِ اَدَهَم
(۳) جَمَشِيد (۴) بُودَا
هَمْچُو گیسوی عروسان، دِستۀ زنبیل را»

۲۲- بَيْتِ زَبِيرٍ بِهِ كَدَامِ مَوْضُوعِ إِشَارَةٌ دَارِدُ؟

- «خَلْعَتِ اَوْلَادِ عَبَّاسِشْ بِدَادِ
(۱) شَعَارِ خَلْفَايِ عَبَّاسِي
(۲) سُوْرَةُ نَمَلِ وَ رَنْگِ مُورِچِه
(۳) حُسَيْنِ بِنِ مَنْصُورِ حَلَاچِ وَ كِتَابِ طَوَاسِينِ اَوْ
(۴) خَلْعَتِ سَتْدِنِ سُلْطَانِ مُحَمَّدِ اَزِ عَبَّاسِيَانِ
طَا وَ سَيْنِ بِي زَحْمَتِ طَاسَشْ بِدَادِ»

۲۳- كَدَامِ گَزِينَه بِا دِيْگَرِ گَزِينَه‌ها مَتَفَاوُتِ اسْتِ؟

- (۱) مِي نَتَوَانِ يَافِتِ بَه شَبِ دَر چَرَاغِ؟
(۲) زَاغِ كِه اَوْ رَا هَمِه تَن شَد سِيَاه
(۳) دَر پَر طَاوُوسِ كِه زَرِ پِيكِرِ اسْتِ
(۴) جَاْمَه عِيْبِ تَو تَنَكِ رَشْتِه‌اَنْدِ
دَر قَفَسِ رُوزِ تَتَوَانِ دِيْدِ زَاغِ
دِيْدِه سِيْپِدِ اسْتِ دَر اَوْ كُن نَگَاهِ
سَرزَنَشِ پَيَايِ كَجَا دَرخُورِ اسْتِ؟
زَانِ بَه تَو نَه پَرْدِه فَرُوهَشْتِه‌اَنْدِ

۲۴- اَزِ نَظَرِ نَسْخَه‌پُژُوْهِ، صُورَتِ كَدَامِ بَيْتِ مَرَجِّحِ اسْتِ؟

- (۱) اَزِ وَ شَادِمَانِي وَ زَوِيَّتِ غَمِي اسْتِ
(۲) اَزِ اَوْ شَادِمَانِي وَ زَوِيَّتِ غَمِ اسْتِ
(۳) اَزِ وَ شَادِمَانِي وَ زَوِ مَرْدَمِي اسْتِ
(۴) اَزِ وَ شَادِمَانِي وَ زَوِ فَرْدَمِي اسْتِ
وَ زَوِيَّتِ فَزُوْنِي وَ زَوِيَّتِ كَمِي اسْتِ
وَ زَوِيَّتِ فَزُوْنِي وَ هَمِ زَوِ كَمِ اسْتِ
وَ زَوِيَّتِ فَزُوْنِي وَ هَمِ زَوِ كَمِي اسْتِ
وَ زَوِيَّتِ فَزُوْنِي وَ زَوِيَّتِ كَمِي اسْتِ

۲۵- دَر شَاهَنَامَه نَخْسْتِيْنِ كَسِي كِه طَبَقَاتِ اجْتِمَاعِي رَا دَر دُورَه حُكُومَتِ خُودِ اِيْجَادِ كَرْدِ، كِه بُودُ؟

- (۱) هُوشَنگ (۲) طَهْمُورث (۳) جَمَشِيد (۴) فَرِيدُون

۲۶- مَفْهُومِ بَيْتِ زَبِيرٍ بِهِ كَدَامِ گَزِينَه نَزْدِيكِ تَرِ اسْتِ؟

- «بَا تَو رُضْوَانِ نِهَادِه پِيْشِ بَهْشَتِ
(۱) سَبْزَه خَطِ تَو دِيْدِيْمِ وَ زِ بَسْتَانِ بَهْشَتِ
(۲) دَر عِيْشِ نَقْدِ كُوشِ كِه چُونِ اَبْخُورِ نَمَانْدِ
(۳) حُورِ اَزِ بَهْشَتِ بِيْروْنِ نَايِدِ تَو اَزِ كَجَايِي؟
(۴) فَرْدَا اِگَرِ نَه رُوضَه رُضْوَانِ بَه مَا دَهَنْدِ
چَنْدِ كَرَّتِ عَصَا وَ پَيَايِ اَفْزَارِ
بَه طَبِكَاْرِي اِيْنِ مَهْرُگِيَا اَمْدِه اِيْمِ
اَدَمِ بَهْشَتِ رُوضَه دَارِ السَّلَامِ رَا
مِه بَرِ زِ مِيْنِ نَبَاشْدِ تَو مَاهِ رَخِ كَدَامِي؟
غُلْمَانِ زِ رُوضَه، حُورِ زِ جَنَّتِ بَه دَر كَشِيْمِ

۲۷- مقصود ناصر خسرو از بیت زیر، کدام است؟

«چه گویی، بود مستعان، مستعان گر

(۱) صانع بدون مصنوع، صانع نخواهد بود.

(۳) هر صانعی در صنع، نیازمند صانعی دیگر است.

۲۸- مفهوم کدام گزینه با دیگر گزینه‌ها متفاوت است؟

(۱) چون گهر عقد فلک دانه کرد

(۲) کرد قبا جبه خورشید و ماه

(۳) در هوس این دو سه ویرانه ده

(۴) زین دو سه چنبر که بر افلاک زد

۲۹- منظور از «جمره» در بیت زیر کدام است؟

«جمره است مگر خصم تو، زیرا که نباید

(۱) سنگی که در فلاخن نباید.

(۳) پرنده‌ای مهاجر که در جایی نمی‌پاید.

۳۰- بیت زیر به کدام واقعه تاریخی صدر اسلام اشاره دارد؟

«احمد لوای خویش علی را سپرده بود

(۱) جنگ احد

(۳) جنگ احزاب

۳۱- کدام گزینه با بیت زیر، قرابت معنایی دارد؟

«از آن پاک‌تر نیست کس در جهان

(۱) ذو الجهل يفعل ما ذوالعقل يفعلهُ

(۲) هَوْنٌ عَلَىكَ اموراً انت تُنكرُها

(۳) وَاِذَا أَتَيْتَكَ مَذْمُوتِي مِنْ نَاقِصٍ

(۴) وَاِذَا حَمَدْتِ بَيْنَ الْأَفَاضِلِ سَيِّئَتِي

۳۲- مضمون کدام گزینه به بیت زیر نزدیک است؟

«بدیدی جو به جو گیتی، نداری جو در این خرمن

(۱) دو بت بینی جهان و جان فتاده در لگدکوبش

(۲) فلک هم تنگ‌چشمی دان که بر خوان دفع مهمان را

(۳) کسی کاین نزل و منزل دید ممکن نیست تحویلش

(۴) بدین نازیده‌ها منگر که دارد شب برین سفره

۳۳- در کدام گزینه به «رسم توزیع» اشاره شده است؟

(۱) چو میر دید سخن، دادِ دادِ مردی خویش

(۲) که را بزرگی و نعمت ز این و آن بودی

(۳) کجا به گیتی بوده است نامور دهقان

(۴) بداد میر خراسانش چل هزار درم

نباشد چنین مستعین، مستعان را؟»

(۲) صانع، بدون مصنوع هم صانع است.

(۴) مصنوع بدون صانع، امکان وجود نخواهد داشت.

جمعد شب از گرد عدم شانه کرد

زین دو کله‌وار سپید و سیاه

کار فلک بود گره در گره

هفت گره بر کمر خاک زد

در هیچ عمل منصب او بیش دو دم را»

(۲) ستاره‌ای کم فروغ و زود پای.

(۴) حرارت و بخار زمین در آخر زمستان.

من زیر این بزرگ و مبارک لوا شدم»

(۲) جنگ بدر

(۴) جنگ تبوک

که هست او سوی متهم متهم

فِي النَّائِبَاتِ وَلَكِنْ بَعْدَ مَا افْتَضَحَا

قَالَتْهُرْ يَأْتِي بِالْوَانِ مِنَ الْغَيْرِ

فَهِيَ الشَّهَادَةُ لِي بِأَنِّي كَامِلٌ

فَأَهْوَنُ بِنَقْصِي جَاءَ مِنْ عِنْدِ نَاقِصٍ

مخر چون ترک جو گیتی، به یک جو ناز دهقانش»

دو سگ بینی نیاز و آز بسته پیش دربان‌ش

ز روز و شب سگی بسته است خوان سالار دورانش

کسی کاین نقل و مجلس یافت حاجت نیست نقلانش

که از دربوزه عیسی است خشکاری در انباش

ز اولیاش، چنان کز امیر فرمان بود

مرا بزرگی و نعمت ز آل سامان بود

مرا به خانه او سیم بود و حملان بود

وز او فزونی یک پنج میر ماکان بود

۳۴- ابیات زیر به کدام بخش از داستان رستم و اسفندیار، اشاره دارد؟

«چنین گفت با رستم اسفندیار که بر کین طاووس نر خون مار
بریزیم ناخوب و ناخوش بود نه آیین شاهان سرکش بود»

- (۱) جایی که رستم به اسفندیار، جنگ میان ایرانیان و سگزیان را پیشنهاد می‌کند.
- (۲) جایی که رستم در قبال کشته شدن فرزندان اسفندیار، کشتن فرزند و برادر خویش را پیشنهاد می‌کند.
- (۳) جایی که رستم به اسفندیار می‌گوید در قبال کور شدن چشم می‌توانی از خاندان رستم کین کشی کنی.
- (۴) جایی که رستم به اسفندیار می‌گوید اگر از بستن دستش صرف‌نظر کند؛ رستم تمام بددینان زابلستان را به او تحویل می‌دهد.

۳۵- مفهوم کدام گزینه با دیگر گزینه‌ها متفاوت است؟

- (۱) جولانگه تو زان سوی آست گر کنی
- (۲) دو اسبه بر اثر لا بران بدان شرطی
- (۳) هر که او آن جوهر و دریا نیافت
- (۴) چو لا از حد انسانی فکندت در ره حیرت

۳۶- بیت زیر در وصف چه چیزی است؟

«رومیان بین کز مشبک قلعه بام‌آشیان

- (۱) کرانه‌های سرخ آسمان در غروب آفتاب
- (۲) شعاع‌های صبحگاهی خورشید در کرانه افق
- (۳) روشنایی خورشید در خلال ابرهای متراکم صبحگاهی
- (۴) زبانه کشیدن آتش از درون تنوره فلزی روی منقل

۳۷- مفهوم بیت زیر در کدام گزینه آمده است؟

«سبحه‌داران از پس سبوح گفتن در صبح

- (۱) زاهدان لباس زهد بر سر جام باده باختنند.
- (۲) زاهدان، جام باده زیر لباس زهد پنهان کردند.
- (۳) زاهدان با دیدن زنار ساغر، رشته تسبیح گسستند.
- (۴) زاهدان، پس از ذکر صبحگاهی، جام باده به دور افکندند.

۳۸- معنای کنایی «پای بز افکندن» در بیت زیر کدام است؟

«مرا در کویست ای شمع نکویی

- (۱) وابسته ساختن (۲) تسلیم کردن (۳) قربانی کردن (۴) فریب دادن

۳۹- ابیات زیر بر کدام ویژگی اولیا دلالت دارد؟

«دائیم اندر آب، کار ماهی است
لیک در گاه ماهی‌های پر فتنند
و اندرین یم ماهیان پرفتنند
ماهیان قعر دریای جلال

- (۱) تصرف اولیای الهی در جریان طبیعی امور
- (۲) استغراق اولیای الهی در عالم معنا
- (۳) برتری ذاتی اولیای الهی بر دیگران
- (۴) مصاحبت اولیای الهی با اوساط الناس

- ۴۰- مفهوم کدام گزینه با گزینه‌های دیگر متفاوت است؟
 (۱) بر گرتۀ صبح از مه، چون جیب پدید آید
 (۲) چون بر کشد قواره دیبا ز جیب صبح
 (۳) کرد رخ آفتاب زرد قواره نهان
 (۴) بر قواره ماه سحری کرد چرخ
 آن زرد قواره هم، ناچار پدید آید
 سحرا که بر قواره دیبا برافکند
 بر فلک از ماه نو شد زه سیمین علم
 تا سر از خواب گران بر کرد صبح
- ۴۱- چرا مولانا داستان «جماعة العميان و احوال الفيل» سنایی را با بردن پیل در تاریکی تغییر می‌دهد؟
 (۱) تا بگوید مردمان دیده‌ور در تاریکی نباید در جستجوی حقیقت باشند.
 (۲) تا بگوید علت اختلاف در فهم حقیقت به محدودیت ابزار شناخت آدمی مربوط است.
 (۳) تا بگوید اهل شناخت باید از تاریکی نفس خود بیرون آیند تا حقیقت را بی‌پرده ببینند.
 (۴) تا بگوید حقیقت در تاریکی هم قابل شناخت است به شرطی که آدمی چراغی روشن کند.
- ۴۲- مفهوم کلی ابیات زیر در کدام گزینه آمده است؟
 «این چنین نخلی که لطف یار ماست
 این چنین مشکین که زلف میر ماست
 این چنین لطفی چو نیلی می‌رود
 خون همی گوید من آبم هین مریز
 (۱) نااهلی، مایه ضلالت است.
 (۲) استخفاف، مایه عذاب است.
 (۳) قسمت ازلی، شرط مشمولیت لطف الهی است.
 (۴) استحقاق، شرط بهره‌مندی از لطف است.
- ۴۳- «مزوجه» در بیت زیر به چه معنی است؟
 «از این مزوجه و خرّقه نیک در تنگم
 (۱) ریسمانی باریک که با آن آستین جامه صوفیان را می‌بستند.
 (۲) وصله‌های دوخته شده بر جامه صوفیان.
 (۳) کلاهی که میان آن پنبه آگنده باشند.
 (۴) قبایی که صوفیان به تن می‌کردند.
- ۴۴- «حنا بر کف نهادن» در بیت زیر کنایه از چیست؟
 «رد و منعت حکم گردون را حنا بر کف نهد
 (۱) معطل و بیکار گرداندن
 (۲) در هر آن عزمی که تو نوک قلم کردی خضاب»
 (۳) عزم ترک کاری کردن
 (۴) زینت و زینت بخشیدن
 (۲) گردن نهادن و تسلیم شدن
- ۴۵- مفهوم کدام گزینه با دیگر گزینه‌ها متفاوت است؟
 (۱) کنون به آب می لعل خرّقه می‌شویم
 (۲) مگر گشایش حافظ در این خرابی بود
 (۳) نه این زمان دل حافظ در آتش هوس است
 (۴) مکن به نامه‌سیاهی ملامت من مست
 نصیب از ازل از خود نمی‌توان انداخت
 که بخشش از لش در می معان انداخت
 که داغ‌دار ازل، همچو لاله خودروست
 که آگه‌ست که تقدیر بر سرش چه نوشت

۴۶- مفهوم کدام گزینه با دیگر گزینه‌ها متفاوت است؟

- (۱) موج شراب و موجۀ آب بقا یکی است
 - (۲) از حرف خود به تیغ نگردیم، چون قلم
 - (۳) این ما و من نتیجۀ بیگانگی بود
 - (۴) در چشم پاک‌بین نبود رسم امتیاز
- هر چند پرده‌هاست مخالف، نوا یکی است
هر چند دل دو نیم بود، حرف ما یکی است
صد دل به یکدگر چو شود آشنا، یکی است
در آفتاب، سایۀ شاه و گدا یکی است

۴۷- در کدام گزینه واژه مشخص شده، درست معنی شده است؟

- (۱) مرا با وی تردّد نیست و اندر وی به جز خوبی دیدار نه. (شک و تردید)
- (۲) جبال راسیات طاقت کشیدن آن دارد. (سلسله)
- (۳) همه در وهده و حشت افتادند. (یرتگاه)
- (۴) شما روع وی بردارید. (بار گناه)

۴۸- عبارت زیر در وصف کدام پیامبر است؟

«درین سفر سی روز در انتظار بماند که طعام و شرابش یاد نیامد و از گرسنگی خبر نداشت، از آن که محمول حق بود.»

- (۱) موسی (ع)
- (۲) عیسی (ع)
- (۳) یوسف (ع)
- (۴) یعقوب (ع)

۴۹- عبارت زیر وصف کدام صفت از اوصاف بیستگانه مرید است؟

«مرید باید که چون قدم در راه طلب نهاد به کلی از سر وجود خویش بر خیزد و خود را فدای راه خدای کند.»

- (۱) تجرید
- (۲) تفویض
- (۳) تفرید
- (۴) تواضع

۵۰- مفهوم کدام گزینه با دیگر گزینه‌ها متفاوت است؟

- (۱) جامۀ عشق را تار یحیهم آمد و یود یحیونه.
- (۲) به حقیقت میان عاشق و معشوق بیگانگی و دوگانگی نیست.
- (۳) خواست معشوق عاشق را پیش از خواست عاشق بود معشوق را.
- (۴) بار ناز معشوقی معشوق، عاشق تواند کشید و بار ناز عاشقی عاشق هم معشوق تواند کشید.

۵۱- کدام گزینه درباره «فرقه‌های صوفیه» در کتاب «کشف‌المحجوب» هجویری درست است؟

- (۱) طریقت طیفوریه، مبنی بر صحو است.
- (۲) طریقت جنیدیه، مبنی بر غلبه و سُکر است.
- (۳) طریقت سهلیه، مبنی بر شهود و مکاشفت است.
- (۴) طریقت قضاویه، مبنی بر اظهار و نشر ملامت است.

۵۲- «بَهْشَمیان» به لحاظ تبار فکری مربوط به کدام فرقه کلامی است؟

- (۱) دهریه
- (۲) معتزله
- (۳) اشاعره
- (۴) تناسخیه

۵۳- در عبارت‌های زیر کدام واژه درست معنا شده است؟

- (۱) جوانی دیدم مرقعه‌دار و محبره اندر رکوه‌ای آویخته. (کشکول)
- (۲) منصور گفت: معاجلت کن خود را به عصیده‌های موافق. (نوعی دارو)
- (۳) اندر دنیا یا عقبی، ثُور یا سرور، وقت آن بود که اندر آنی. (اندوه)
- (۴) اصطلام غلبات حق بود که کلیت بنده را مقهور خود کند به امتحان لطف اندر نفی ارادتش. (برکشیدن)

- ۵۴- کدام گزینه دربارهٔ تعریف «اصطلاحات صوفیه» درست است؟
 (۱) تلوین، صفت ارباب احوال بود و تمکین، صفت اصحاب حقائق.
 (۲) فرق، آن بود که از تو ربوده بود و جمع، آن بود که با تو منسوب بود.
 (۳) خداوند ستر دائم به نعت خشوع بود و خداوند تجلی به وصف شهود بود.
 (۴) محو برتر از محق بود برای آنکه از محق اثری بماند و از محو هیچ اثر نماند.
- ۵۵- عبارت زیر تعریف صحیح کدام اصطلاح عرفانی است؟
 «مراد از این علم آن است که بنده در جمیع حرکات و سکنتات ظاهره و باطنه حق را تعالی بر خود مطلع بیند و در کل احوال و اقوال و افعال او را رقیب خود داند.»
 (۱) علم مراقبه (۲) علم مشاهده (۳) علم حضور (۴) علم قیام
- ۵۶- عبارت زیر تعریف کدام اصطلاح عرفانی است؟
 «انطوای باطن به مطالعه کمال جلال محبوب»
 (۱) شوق (۲) ذوق (۳) هیبت (۴) انس
- ۵۷- مفهوم کدام گزینه با جمله «فروغ آتش - اگرچه فروزنده خواهد که پست سوزد - به ارتفاع گراید.» مناسبت دارد؟
 (۱) مرد هنرمند با مروّت - اگرچه خامل‌منزلت باشد - به عقل و مروّت خویش پیدا آید در میان قوم.
 (۲) هیچ خدمتکار - اگرچه فرومایه باشد - از دفع مضرتی و جرّ منفعتی خالی نماند.
 (۳) نفاذ کار با اهل بصیرت و فهم تواند بود نه به انبوهی انصار و اعوان.
 (۴) نشاید که پادشاه خردمندان را به خمول اسلاف فروگذارد.
- ۵۸- مفهوم جمله «مہتران قصد زیردستان و آذناپ در مذهب سیادت محظور شناسند.» کدام است؟
 (۱) بنای کار به قوّت ذات و استیلائی اعوان نیست.
 (۲) باد سخت گیاهی ضعیف را نیفکند و درختان قوی را دراندازد.
 (۳) شاخ رز بر درخت نیکوتر و بارورتر نرود و بدان چه نزدیک‌تر باشد، درآویزد.
 (۴) هر که درگاه ملوک را ملازم گردد از تحمل رنج‌های صعب و تجرّع شربت‌های بدگوار تجنّب ننماید.
- ۵۹- مفهوم مثل «قَدْ أَلْنَا وِإِلَّ عَلَيْنَا» در عبارت زیر کدام است؟
 من در ملک، عمر به آخر رسانیده‌ام و به خیر و شرّ احوال بینا گشته و امروز در زمرهٔ منکوبان آمده‌ام و مثل مشهور است که «قَدْ أَلْنَا وِإِلَّ عَلَيْنَا».
- (۱) ارزش دوراندیشی (۲) اهمیت تقدیرگرایی
 (۳) اهمیت تجربه‌اندوزی (۴) ارزش فرمانبرداری
- ۶۰- مفهوم کدام گزینه با عبارت مشخص شده تناسب معنایی بیشتری دارد؟
 «از سر انصاف و رجوع از اصرار و تمادی «أَعْطَيْتُ الْقَوْسَ بَارِيهَا» بر من خواند.»
 (۱) اَنَا ابْنُ بُجْدَتِهَا (۲) اِنَّ الْعَوَانَ لَا تَعْلَمُ الْخَمْرَةَ
 (۳) بر بی‌بدل چگونه گزیند کسی بدل (۴) پیر فریشتن، روزگار ضایع گردانیدن است.
- ۶۱- کدام گزینه با دیگر گزینه‌ها متفاوت است؟
 (۱) عظام را عظام لگدکوب شده.
 (۲) خَنَاجِرٌ بِأَخَنَاجِرٍ إِفْ گرفته.
 (۳) یمانی در قراب رقاب جایگیر شده.
 (۴) شمشیر چون درخت دوزخیان سر برآورده.

- ۶۲- «ترقین نهادن» در عبارت زیر به کدام معنا است؟
 «... و بر بارز روایات سلف که سر به سر سهو بود، ترقین می‌نهاد و هیچ آفریده‌ای از حضرت او بی‌نصیب و بی‌بهره بازنگشت.»
- (۱) مهر کردن نامه‌ای
 (۲) خط نسخ کشیدن بر نوشته‌ای
 (۳) نوشتن عبارتی به نشانه تأیید
 (۴) باطل کردن عبارتی از دفتر حساب
- ۶۳- مفهوم کدام گزینه با دیگر گزینه‌ها متفاوت است؟
 (۱) چون شاه افلاک به زیر کره خاک فروشد.
 (۲) دیگر باره سپردار مگّار، تیغ در میغ شب زد.
 (۳) یزک صباح، ترک رواح را خون آلود بگذاشت.
 (۴) مهره‌باز بی‌مهر سیاه‌دل کبودچهر، آینه سخت‌رویی را در روی کشید.
- ۶۴- مفهوم عبارت زیر در کدام گزینه آمده است؟
 «و در جمله عبارت از محبت نه محبت بود، از آنچه محبت حال است و حال هرگز قال نباشد.»
- (۱) قلم را آن زبان نبود که سر عشق گوید باز
 (۲) نبود نقش دو عالم که رنگ الفت بود
 (۳) عارفی کو که کند فهم زبان سوسن
 (۴) لاف عشق و گله از یار زهی لاف دروغ
- ۶۵- معنی عبارت زیر در کدام گزینه آمده است؟
 «و چون نزدیک شد که حس آفت که از بُعد مسافت حاصل شود، به قرب مجاورت مندفع گردد، قضای مبرم نازل شد.»
- (۱) چون به سبب جدایی و راه دور، مشکلات فراوانی پدید آمده بود، برای از بین بردن آن‌ها دستور قاطعی صادر کرد.
 (۲) وقتی به نزدیکی آن‌جا رسید، رنج دوری که مشکل‌آفرین است، از میان رفت و به آنچه آرزو داشت، دست یافت.
 (۳) چون نزدیک بود به علت دوری مکان، رابطه دوستی ایشان به دشمنی تبدیل شود، فرمان استواری صادر کرد.
 (۴) چون زمان چندانى نمانده بود تا رنج دوری به سبب نزدیک شدن و رسیدن از میان رود، مرگ او فرارسید.
- ۶۶- نویسنده در عبارت زیر از چه چیزی گله می‌کند؟
 «بسا ده‌رانده که از این حادثه به اطراف افتادند و همشهریان نفقذ او به قصّاه واجب دیدند، جز محمد منشی که محمد منسی انگاشتند، ازیرا از دفتر مذکور نام او برداشته.»
- (۱) تبعید شدن
 (۲) غفلت ناگزیر
 (۳) بی‌توجهی آشنایان
 (۴) غیبت ناخواسته
- ۶۷- مفهوم کدام گزینه با دیگر گزینه‌ها متفاوت است؟
 (۱) ای در غرقاب نار به کار آب پرداخته.
 (۲) ای در گذر سیلاب مجلس شراب ساخته.
 (۳) ای بر لوح شکسته کشتی تمنی جاریه بهشتی پخته.
 (۴) ای در تاریکی ظلام چون برق از غمام یازان گشته.
- ۶۸- کدام گزینه در «وصف قلم» با دیگر گزینه‌ها متفاوت است؟
 (۱) دو زبانست، سفارت ارباب وفاق نشاید.
 (۲) هر چند به سر قیام می‌کند، سیاه‌کار است.
 (۳) اجوفی‌ست که تا مشتق نشود، کلام او صحیح نباشد.
 (۴) طالب علمی‌ست سودا بر سر زده، تا تن دونیم نکند، دوفنون نشود.
- ۶۹- متن‌های پنهان هجویری در کشف‌المحجوب، در کدام گزینه آمده است؟
 (۱) اللّٰمَع ابونصر سراج و رساله قشیریه
 (۲) طبقات الصوفیه ابوعبدالرحمن سلمی و رساله قشیریه
 (۳) حلیه الاولیاء ابونعیم اصفهانی و عوارف‌المعارف سه‌روردی
 (۴) قوت‌القلوب ابوطالب مکی و حلیه‌الاولیاء ابونعیم اصفهانی

۷۰- کدام اثر زیر «شرح مثنوی مولوی» است؟

- (۱) مشارق الدراری؛ سعیدالدین فرغانی
(۲) مفاتیح الاعجاز؛ شمس‌الدین لاهیجی
(۳) فصل الخطاب لوصول الاحباب؛ خواجه محمد پارسا
(۴) جواهر الاسرار و زواهر الانوار؛ کمال‌الدین خوارزمی
- ۷۱- کتاب «نحوالقلوب» از کیست و موضوع آن چیست؟

- (۱) ابوالقاسم قشیری، تأویل قواعد نحوی بر مذاق صوفیه
(۲) ابوعبدالله صوفی، توجهات قلبی در حین سلوک
(۳) ابوبکر فورک، مباحث نحوی بر مشرب کوفیان
(۴) حارث بن احمد المحاسبی، تبیین مراتب قلب
- ۷۲- تنها پادشاهی که در «گائاه» از او یاد شده، کیست؟

- (۱) کیومرث (۲) گشتاسپ (۳) فریدون (۴) لهراسپ
- ۷۳- عبارت زیر معرف کدام گزینه است؟

«از علما و نویسندگان برجسته قرن هفتم است که در حدود سال ۶۳۴ به دنیا آمد. از وی آثار متعددی به فارسی و عربی بر جای مانده که مهم‌ترین آن‌ها «درة التاج لغرة الدجاج» است.»

- (۱) ابوالمفاخر یحیی باخرزی
(۲) علاءالدوله سمنانی
(۳) قطب‌الدین شیرازی
(۴) شهاب‌الدین عبدالله شیرازی
- ۷۴- کدام گزینه درباره ادبیات داستانی فارسی در فاصله سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۳۲ درست است؟

- (۱) از دهه بیست اندیشه‌های پوچ‌گرایانه آغاز می‌شود.
(۲) در این دوره، با توجه به رشد و توسعه مدرنیته، آثار آوانگارد تولید می‌شود.
(۳) در این دهه، حزب توده با انتشار نشریه «کبوتر صلح» به گرایش‌های اجتماعی - سوسیالیستی دامن می‌زند.
(۴) از مشخصه‌های ادبیات داستانی این دوره، پرداختن به واقعیت جامعه و ترک تعهدات و عقاید حزبی است.

۷۵- عبارت زیر را کدام نویسنده خارجی و درباره کدام شخصیت ادبی ایرانی بیان کرده است؟

«و انسانی بود که از سرچشمه‌های فرهنگ و تمدن‌های ملل شرق و غرب، جان خویش را سیراب کرده بود. من به عنوان یک بیگانه، وقتی با او به زبان مادریم گفتگو داشتیم، احساس می‌کردم که با یک فرانسوی طرف هستیم و وقتی کتاب‌های او را خواندم، دیدم نثر او یکی از اصیل‌ترین نمونه‌های نثر فارسی است.»

- (۱) ژرژ لسکو - ذبیح بهروز
(۲) ژیلبر لازار - صادق هدایت
(۳) سیمون وی - بزرگ علوی
(۴) ژان ریشار بلوک - محمدعلی جمال‌زاده

۷۶- کدام گزینه درباره سبک قرن نهم - دوره تیموری و شاهرخ - دقیق‌تر است؟

- (۱) کاربرد جملات طولانی - مدرسی شدن عرفان - معلق‌نویسی - تذکره‌نویسی
(۲) سفرنامه‌نویسی - تطویل کلام و استفاده از القاب و عناوین فراوان - ساده‌نویسی
(۳) حرکت به سوی ساده‌نویسی - رواج تاریخ‌نویسی - رواج لغات ترکی - افول ادب عرب
(۴) درآمیختگی نظم و نثر - رواج تاریخ‌نویسی و فرهنگ‌نویسی - استفاده فراوان از ضرب‌المثل‌ها

۷۷- کدام گزینه درباره شعر شاعران سبک عراقی درست است؟

- (۱) رمزهای به کار رفته در شعر عطار از سنایی بیشتر، اما زبان رمزی سنایی روشن‌تر است.
(۲) از خصایص اصلی تصاویر غزل مولوی صبغه سوررئالیستی و حضور ضمیر ناهشیار است.
(۳) تخیل‌های دورپرواز سبک هندی‌وار سعدی، در سخن انوری، خاقانی و نظامی نیست.
(۴) حافظ در درجه اول از خاقانی و سپس از سعدی تأثیر پذیرفته است.

۷۸- کدام گزینه از نثرهای تغزلی عرفانی است؟

- (۱) سوانح العشاق - عبهرالعاشقین - لمعات
(۲) اسرارالتوحید - تمهیدات - انس التائبین
(۳) معارف بهاء ولد - مقالات شمس - تذکره الاولیاء
(۴) مرصادالعباد - عوارف المعارف - مصباح الهدایه

۷۹- در عروض سنتی، بحر رمل در کدام دایره عروضی قرار می گیرد؟

- (۱) منترعه (۲) مختلفه (۳) متفقه (۴) مؤتلفه

۸۰- در کدام بیت به جای دو هجای کوتاه، یک هجای بلند آمده است؟

- (۱) دور مجنون گذشت و نوبت ماست
(۲) این که سرش در کمند جان به دهانش رسید
(۳) عاشقان را نتوان گفت که باز ای از مهر
(۴) دل می رود ز دستم صاحب دلان خدا را
۸۱- حرف قبل از روی به ترتیب در این چهار بیت چه نام دارد؟

- «من آنم که در شیوه طعن و ضرب
لنگ لنگان قدمی برمی داشت
ای شاهد قدسی که کشد بند نقابت
به هیچ یار مده خاطر و به هیچ دیار
(۱) ردف زاید - قید - دخیل - ردف اصلی
(۲) ردف زاید - ردف اصلی - دخیل - قید
(۳) قید - دخیل - ردف اصلی - ردف زاید
(۴) قید - ردف زاید - ردف اصلی - ردف اصلی»

۸۲- در کدام گزینه قافیه معیوب است؟

- (۱) سرمست در آمد از خرابیات
(۲) دیدار تو حل مشکلات است
(۳) متناسبند و موزون حرکات دلفریبت
(۴) میندار از لب شیرین عبارات
۸۳- در کدام بیت ابهام ادبی (گزتابی) دیده می شود؟

- (۱) روزها رفت که دست من مسکین نگرفت
(۲) یار من چون بخرامد به تماشای چمن
(۳) روزه هر چند که مهمان عزیز است ای دل
(۴) گو حریفی که شب و روز می صاف کشد
۸۴- نوع وجه شبه در «مصرع اول» بیت زیر کدام است؟

- «مگر دهان تو آموخت تنگی از دل من
(۱) متعدد (ابهامی) (۲) تحقیقی (مخیل)
(۳) دوگانه (استخدام) (۴) مرکب (ترکیبی)

۸۵- کدام بیت «ابهام و کنایه» دارد؟

- (۱) دلا چو غنچه شکایت ز کار بسته مکن
(۲) صبا به خوش خبری هدهد سلیمان است
(۳) علاج ضعف دل ما کرشمه ساقی است
(۴) به تنگ چشمی آن ترک لشکری نازم
که باد صبح، نسیم گره گشا آورد
که مژده طرب از گلشن صبا آورد
برآر سر که طیب آمد و دوا آورد
که حمله بر من درویش یک قبا آورد

- ۸۶- کدام گزینه درباره تصاویر خیالی «مصراع اول» بیت زیر درست است؟
 «ای باغ خوش و خندان بی تو دو جهان زندان
 آئی تو و صد چندان زنهار مخسب امشب»
 (۱) استعاره تبعیه، تشبیه تفضیل
 (۲) استعاره مکنیه، استعاره مصرحه
 (۳) استعاره مصرحه، تشبیه مشروط
 (۴) تشبیه مضمر، تشبیه تفضیل
- ۸۷- در کدام گزینه «واو استبعاد» به کار رفته است؟
 (۱) درویش نمی‌پرسی و ترسم که نباشد
 (۲) من و انکار شراب این چه حکایت باشد
 (۳) ای دل شباب رفت و نچیدی گلی ز عیش
 (۴) برو ای زاهد و بر دزدکشان خرده مگیر
- ۸۸- در عبارت زیر به ترتیب از کدام یک از انواع ایجاز استفاده شده است؟
 «همه کس را عقل خود به کمال نماید و فرزند به جمال»
 (۱) ایجاز قصر و ایجاز حذف
 (۲) ایجاز حذف و ایجاز قصر
 (۳) ایجاز حذف و ایجاز مخل
 (۴) ایجاز قصر و ایجاز مخل
- ۸۹- در بیت زیر کدام صنعت ادبی دیده می‌شود؟
 «گوهرم باید که گردد آشکار
 مرد بی‌گوهر کجا آید به کار»
 (۱) ایهام تناسب (۲) جناس تام (۳) ایهام (۴) ایهام
- ۹۰- در بیت زیر کلمات مشخص شده به ترتیب استعاره از چیست؟
 «ز سنبیل کرد بر گل مشک بیزی
 ز نرگس بر سمن سیماب ریزی»
 (۱) گیسو، گونه، چشم، زنج
 (۲) زلف، چهره، چشم، چهره
 (۳) مژگان، گونه، چشم، بناگوش
 (۴) موی بناگوش، چهره، چشم، معشوق
- ۹۱- جایگاه بلاغی «پسته» و «شکر» در مصراع دوم بیت زیر به ترتیب کدام است؟
 «پست شکر گشت غبار درت
 پسته و عذاب ششده شگرت»
 (۱) مشبیه، استعاره (۲) استعاره، استعاره (۳) مشبیه، مشبیه (۴) مشبیه، استعاره
- ۹۲- نقش نحوی جمله وابسته‌ای که زیر آن خط کشیده شده چیست؟
 «گفت قبطی: «تو دعایی کن، که من
 که بود که قفل این دل واشود»
 (۱) متمم (۲) تمیز (۳) نهاد (۴) مسند
- ۹۳- در کدام بیت «کجا» حرف تأویل به مصدر اصلی است؟
 (۱) وز ایشان شیرمردی کامرانی است
 (۲) کجا رفت خواهی ببر بردنی
 (۳) از ایشان بکشند چندان سپاه
 (۴) بدانستم که عاشق کور باشد
- کجا در هر هنر گویی جهانی است
 بهره‌یز و مستان ز کس خوردنی
 کجا رحمت آورد گشتاسب شاه
 کجا بختش همیشه شور باشد

۹۴- تعریف کدام گزینه درست است؟

- (۱) واژه‌ای را اشتقاقی گویند که در ساختمان آن حداقل یک تکواژ مقید به کار رفته باشد.
- (۲) تکواژهای اشتقاقی آن‌هایی هستند که حضور آن‌ها را در واژه الزامات دستوری تعیین می‌کند.
- (۳) تکواژهای صرفی آن‌هایی هستند که افزودن‌شان به پایه به لحاظ الزامات صرفی و معنایی باشد.
- (۴) تکواژهای اشتقاقی مقوله‌ساز آن‌هایی هستند که برای تثبیت مقوله دستوری بر تکواژی دیگر افزوده می‌شوند.

۹۵- در کدام گزینه «حذف جمله» صورت گرفته است؟

- | | |
|--------------------------------------|----------------------------------|
| (۱) بنام ار بریزی مرا گفت خون | به از زندگانی به ننگ اندرون |
| (۲) شب چو عقد نماز می‌بندم | چه خوردم بامداد فرزندم |
| (۳) کیست که مرهم نهد بر دل مجروح عشق | کش نه مجال وقوف نه ره بگریختن |
| (۴) محل قابل و آنکه نصیحت قائل | چو گوش هوش نباشد چه سود حسن مقال |

۹۶- کدام گزینه درباره «تاریخ‌گرایی نو» درست است؟

- (۱) ادبیات صرفاً محصول تاریخ است و در ساختن تاریخ مشارکت ندارد.
- (۲) تاریخ‌گرایی نو مناسبات قدرت را زمینه مشترک انواع متون نمی‌داند.
- (۳) تاریخ‌گرایی نو میان ادبیات (متون ادبی) و متون غیرادبی تفاوت می‌گذارد.
- (۴) تاریخ‌گرایی نو برخلاف تاریخ‌گرایی قدیم به واقعیت‌های تاریخی اصالت می‌دهد و ادبیات را صرفاً انعکاس تاریخ می‌داند.

۹۷- با توجه به ویژگی‌های مکتب‌ها کدام گزینه درست است؟

- (۱) کوبیسم: استفاده از پرسپکتیو دقیق؛ تکیه بر سایه - روشن‌ها؛ تکیه بر وضع و معنای طبیعی اشیا
- (۲) ناتورالیسم: تأکید بر محیط و وراثت، نوعی جبرباوری علمی و علی؛ بی‌توجهی به حالات حیوانی و فیزیولوژی
- (۳) سوررئالیسم: نگارش خود به خود؛ ویران کردن دیوار میان جنون و عقل، توجه به ضمیر پنهان؛ رهایی از قیود عقلی و اخلاقی در حین نوشتن
- (۴) سمبولیسم: واکنش در برابر رئالیسم و ناتورالیسم؛ دنیا جنگلی است سرشار از علائم؛ توجه به تصاویر ابژکتیو؛ ابهام موسیقایی

۹۸- ادبیات تطبیقی، در تعریف هنری رماک (مکتب امریکایی)، از حیث مبانی نظری و رویکردهای پژوهشی، با کدام حوزه مطالعاتی پیوند بیشتری دارد؟

- | | | | |
|--------------|------------------|-----------|-----------------|
| (۱) نقد ادبی | (۲) تاریخ ادبیات | (۳) ترجمه | (۴) بینارشته‌ای |
|--------------|------------------|-----------|-----------------|

۹۹- کدام گزینه به ترتیب در مورد دیدگاه‌های افلاطون و ارسطو در نقد ادبی درست است؟

- (۱) توجه به محتوا - توجه به شکل اندامواره اثر
- (۲) تمایز بین صدق و کذب - تأثیرگذاری الهام بر سرودن شعر
- (۳) جایگاه تقلید و میل فطری انسان به وزن و ایقاع - فرم منطقی و محتوا
- (۴) بی‌توجهی به الهام باطنی در سرودن شعر - ستیزه‌گری با شاعران به سبب دلایل اخلاق‌گرایانه

۱۰۰- عبارت زیر در توصیف کدام مکتب نقد ادبی است؟

«پيروان این مکتب به لحاظ تاریخی در زمره نخستین مخالفان نقد نو و از نظر فلسفی به مخالفت با مفهوم کانونیت زبان به مثابه وجه ممیزه ادبیات برخاستند و بار دیگر توجه خود را به پیرنگ و ژانر اثر معطوف داشتند.»

- | | | | |
|---------------|----------|------------|-----------|
| (۱) فرانکفورت | (۲) پراگ | (۳) شیکاگو | (۴) تارتو |
|---------------|----------|------------|-----------|